

بندهای وابسته اسم در زبان فارسی و روابط وابستگی در درون آنها

امید طیب‌زاده (دانشگاه بوعلی سینا، همدان)

چکیده: در زبان فارسی مجموعاً به چهار نوع بند وابسته^۱ می‌توان اشاره کرد که عبارت‌اند از بندهای وابسته اسم، بندهای وابسته صفت، بندهای وابسته فعل و بندهای وابسته جمله (یا بند پیرو قیدی). در بخش آغازین این مقاله نشان می‌دهیم که بندهای وابسته اسم به دو دسته بندهای افزوده اسم (بندهای موصولی) و بندهای متمم اسم تقسیم می‌شوند. سپس به اختصار به شرح مطالعات پیشین می‌پردازیم و دو دیدگاه نظری صورت‌گرا درباره این بندها را معرفی می‌کنیم و نهایتاً، بر اساس دیدگاه دستور وابستگی، انواع بندهای وابسته اسم و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را شرح می‌دهیم. بحث مختصر درباره روابط وابستگی در درون بندهای وابسته اسم، از مباحث پایانی مقاله حاضر است.

کلیدواژه‌ها: بندهای وابسته، بندهای وابسته اسم، بندهای افزوده اسم، بندهای متمم اسم، روابط وابستگی بندهای وابسته اسم.

۱. مقدمه

منظور از بند وابسته در این مقاله جمله پیروی است که به یکی از عناصر بند پایه یا به

1. dependent clause

کل آن وابسته می‌شود و گروه یا جمله‌ای مرکب را پدید می‌آورد. در زبان فارسی، بسته به هسته‌ای که بند پیرو بدان وابسته می‌شود، به چهار نوع بند وابسته می‌توان اشاره کرد که عبارت‌اند از بند وابسته اسم، بند وابسته صفت، بند وابسته فعل و بند وابسته جمله (یا بند پیرو قیدی). از ترکیب هسته اسمی و بند وابسته آن گروه اسمی مرکب شکل می‌گیرد، از ترکیب هسته صفتی و بند وابسته آن گروه صفتی مرکب پدید می‌آید، از ترکیب هسته فعلی و بند وابسته آن گروه فعلی مرکب^۱ ساخته می‌شود، و بالاخره از ترکیب جمله و بند وابسته جمله (یا بند پیرو قیدی) جمله مرکب به وجود می‌آید. در هر یک از مثال‌های زیر کل جمله را درون قلاب اول گذاشته‌ایم، هسته بند وابسته را که همواره در خارج از بند و پیش از آن قرار دارد با حروف سیاه مشخص کرده‌ایم، خود بند وابسته را درون قلاب دوم گذاشته‌ایم، حرف نشانه بند (که) را با حروف موزب، و بالاخره گروه یا جمله مرکب را با خطی در زیر آن مشخص ساخته‌ایم:

۱. بند وابسته اسم: پسری که دیدی برادرم بود.
- گروه اسمی مرکب [پسری] که دیدی بند وابسته اسم [برادرم بود جمله]:
۲. بند وابسته صفت: او آگاه است که مادرش اینجاست.
- گروه صفتی مرکب [او آگاه است] که مادرش اینجاست بند وابسته صفت [جمله]:
۳. بند وابسته فعل: دولت اعلام کرد که فردا تعطیل نیست.
- گروه فعلی مرکب [دولت اعلام کرد] که فردا تعطیل نیست بند وابسته فعل [جمله]:
۴. بند وابسته جمله: علی رفت آلمان که درس بخواند.
- جمله مرکب [علی رفت آلمان] که درس بخواند بند وابسته جمله (یا بند پیرو قیدی) [جمله]

در این مقاله ضمن استفاده از مفاهیم رده‌شناسی و نیز زبان‌شناسی زایشی در توصیف بندهای وابسته اسم (صفوی ۱۳۷۳؛ غلامعلی‌زاده ۱۳۸۶؛ دبیرمقدم ۱۳۶۹؛ ۱۳۸۴؛ KEENAN & COMRIE 1977; COMRIE 1983)، می‌کوشیم تا بر اساس نظریه وابستگی (طیب‌زاده ۱۳۹۱؛ AQEL et.al. 2003; HUDSON 2010: 288-290; ENGEL 2002: 195-203) به توصیف این بندها

۱. گروه فعلی در دستور وابستگی با گروه فعلی در دیگر دستورهای صورت‌گرا یکسان نیست. در اینجا منظور از گروه فعلی مرکب عبارت است از فعل اصلی جمله به‌علاوه بند وابسته بدان.

بپردازیم. ابتدا به اختصار درباره بندهای وابسته اسم و انواع آنها بحث می‌کنیم، سپس به تحقیقات پیشین و مباحث نظری موجود درباره تفاوت بندهای افزوده اسم و بندهای متمم اشاره می‌کنیم، و بعد نشان می‌دهیم که تفاوت‌های موجود میان این دو نوع بند وابسته اسم چنان زیاد است که مطلقاً نمی‌توان آنها را ذیل عنوان واحدی چون بندهای موصولی گنجانند. بخش پایانی مقاله به توصیف روابط وابستگی در درون بندهای وابسته اسم اختصاص دارد.

۲. بندهای وابسته اسم و انواع آنها

بندهای وابسته اسم شامل دو نوع بند وابسته متفاوت است: یکی بند افزوده اسم یا همان بند موصولی^۱ و دیگری بند متمم اسم.^۲ در دستورهای فارسی عموماً فقط متذکر بند افزوده اسم شده‌اند و گاهی نیز هر دو نوع بند وابسته اسم را ذیل عنوان واحد بندهای موصولی گنجانده‌اند (مثلاً نک. باطنی ۱۳۴۸: ۱۳۶-۱۷۰؛ صادقی و ارژنگ ۱۳۵۹: ۲۳-۴۵؛ حق‌شناس و همکاران ۱۳۸۵: ۹۶-۱۴۳). نگارنده نیز قبلاً به تفصیل درباره تفاوت بین افزوده‌ها و متمم‌های اسم سخن گفته (طیب‌زاده ۱۳۹۱: ۱۹۷-۲۶۵)، اما متذکر تفاوت میان دو دسته از وابسته‌های بندی پس‌اسمی^۳ یعنی بندهای افزوده اسم و بندهای متمم اسم نشده است. در این بخش دو نوع بند مذکور را از هم تفکیک می‌کنیم و ویژگی‌های مشترک و نیز تفاوت‌های آنها را نمایش می‌دهیم. پیش از ادامه بحث به مثال‌هایی از بندهای افزوده اسم و متمم اسم توجه کنید:

۵- الف: پسری که دیدی برادرم بود.

ب: [پسری [که دیدی بند افزوده اسم] گروه اسمی مرکب] برادرم بود جمله].

۶- الف: سعدی، که گلستان و بوستان را نگاشته است، از بزرگ‌ترین شاعران است.

ب: [سعدی، [که گلستان و بوستان را نگاشته است بند افزوده اسم] گروه اسمی مرکب]، از بزرگ‌ترین

شاعران است جمله].

۷- الف: استنباط او که نمایندگان تباری کرده‌اند صحیح است.

ب: [استنباط او [که نمایندگان تباری کرده‌اند بند متمم اسم] گروه اسمی مرکب] صحیح است جمله].

1. relative clause

2. clausal complement of noun

3. post-nominal dependent clauses

۱-۲ بند افزوده اسم

بند افزوده اسم یا بند موصولی، بندی است که در مقام یکی از افزوده‌های پسین اسم در گروه اسمی مرکب ظاهر می‌شود و همواره آخرین وابسته اسم در آن گروه اسمی است (نک. طیب‌زاده ۱۳۹۱: ۲۲۹). در مثال‌های ذیل کلّ جمله را با قلاب اول، گروه اسمی مرکب را با قلاب دوم، و بند افزوده اسم را با قلاب سوم مشخص ساخته‌ایم:

۸. پسری که دیدی برادرم بود.

[۱] [پسری [که دیدی بند افزوده اسم] گروه اسمی مرکب] برادرم بود جمله].

۹. کتابی که خریدی بسیار خواندنی بود.

[کتابی [که خریدی بند افزوده اسم] گروه اسمی مرکب] بسیار خواندنی بود جمله].

۱۰. سعدی، که گلستان و بوستان را نگاشته، از بزرگ‌ترین شاعران است.

[سعدی، [که گلستان و بوستان را نگاشته بند افزوده اسم] گروه اسمی مرکب]، از بزرگ‌ترین شاعران است جمله].

۲-۲ بند متمم اسم

بند متمم اسم نیز، مانند بند افزوده اسم، بندی است که در مقام آخرین وابسته پسین اسم در گروه اسمی مرکب ظاهر می‌شود. باید توجه کرد که بند متمم اسم در ساخت ظرفیتی برخی از اسم‌ها قرار دارد، درحالی‌که بند افزوده اسم جزو ظرفیت اسم نیست و به اقتضای کلام و موقعیت به هر اسمی افزوده می‌شود:

۱۱. عقیده علی [که جنگ بعدی بر سر آب خواهد بود بند متمم اسم] گروه اسمی مرکب] صحیح است جمله].

۱۲. [استنباط او [که نمایندگان تباری کرده‌اند بند متمم اسم] گروه اسمی مرکب] صحیح است جمله].

۱۳. [تحلیل آنها [که او از اینجا فرار می‌کند بند متمم اسم] گروه اسمی مرکب] اشتباه است جمله].

۱۴. [این عقیده [که جنگ بعدی بر سر آب خواهد بود بند متمم اسم] گروه اسمی مرکب] صحیح است جمله].

۱۵. [این تحلیل [که او از اینجا فرار می‌کند بند متمم اسم] گروه اسمی مرکب] اشتباه است جمله].

۳. تحقیقات پیشین و مباحث نظری

چنان‌که گفتیم در دستورهای سنتی فارسی معمولاً تفاوتی میان بندهای افزوده اسم و بندهای متمم اسم قائل نشده‌اند و این دو بند وابسته را یکسان در نظر گرفته‌اند. تا جایی که نگارنده می‌داند، صادقی (۱۳۵۰ الف و ۱۳۵۰ ب) و غلامعلی‌زاده (۱۳۸۶) تنها دستورنویسانی هستند که به این موضوع در زبان فارسی پرداخته‌اند. در این قسمت ابتدا به معرفی آراء صادقی و غلامعلی‌زاده در مورد این بندها می‌پردازیم، سپس به اختصار بحث‌های نظری مربوط به ویژگی‌های این بندها را طرح می‌کنیم (e.g. GRIMSHAW 1990; HUDSON 2010; AQEL et.al. 2003; KAYNE 2008; HAEQEMAN 2010; GREENBAUM & QUIRK 2002; CINQUE & KRPOVA 2013)، و سپس تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را بر اساس ویژگی‌های گوناگونشان شرح می‌دهیم.

۳-۱ تحقیقات پیشین

۳-۱-۱ صادقی (۱۳۵۰ الف و ب)

تا جایی که نگارنده می‌داند صادقی نخستین دستورنویس ایرانی است که به خصوصیات نحوی آن دسته از اسم‌هایی پرداخته است که از ریشه فعلی ساخته شده‌اند. وی در این مقاله که حاوی اطلاعات فراوانی درباره ویژگی‌های نحوی اسم‌های مشتق از فعل است، تصریح می‌کند که این اسامی، یعنی مصدرها و اسم مصدرها، برخلاف سایر اسم‌ها، بعضی خصوصیات فعل را در خود حفظ می‌کنند. مثلاً بعضی از آنها بدون اینکه بتوانند جمله‌ای تشکیل دهند، می‌توانند فاعل و مفعول و برخی دیگر از وابسته‌های خاص فعل را بگیرند. وی ضمن برشمردن تعدادی از این وابسته‌ها تصریح می‌کند که «مصدر و اسم مصدر می‌تواند جمله تکمیلی (completive) بگیرد» (صادقی ۱۳۵۰ الف: ۳۰۹). وی به‌عنوان مثال این دو جمله را ذکر می‌کند (قلاب دور گروه اسمی از ماست): «[نوشتن که این کار را بکن] آسان است» و «[قول او که برادر من دانشمند است] صحیح است». بدیهی است که جمله تکمیلی اسم در نزد صادقی همان چیزی است که ما آن را بند متمم برای اسم‌های مشتق از فعل نامیده‌ایم. وی درباره تفاوت‌های این بند با بند افزوده اسم چیزی نمی‌گوید.

۲-۱-۳ غلامعلی زاده (۱۳۸۶: ۱۵۵-۱۶۴)

غلامعلی زاده جمله‌واره موصولی (یا به تعبیر ما بند افزوده اسم) را وابسته پسین گروه اسمی دانسته و تصریح کرده است که این گروه اسمی می‌تواند در هر جایگاهی که امکان ظهور اسم در آن وجود دارد ظاهر شود، مثلاً در جایگاه مفعول، متمم حرف اضافه‌ای و غیره. دیگر اینکه او جمله‌واره‌های موصولی را به درستی به دو دسته جمله‌واره‌های محدودکننده (یا به تعبیر ما توصیفی) و غیرمحدودکننده (یا به تعبیر ما توضیحی) تقسیم کرده و تفاوت‌های آنها را با یکدیگر برشمرده است. غلامعلی زاده سپس به جمله‌واره‌های متممی پرداخته و متذکر شده است که این جمله‌واره‌ها که پس از برخی اسامی معنا ظاهر می‌شوند، توصیف‌کننده^۱ هسته خود نیستند، بلکه متمم آن هستند. وی به‌عنوان نمونه‌ای از اسامی معنا که جمله‌واره متممی پس از آنها ظاهر می‌شود، از موارد زیر یاد کرده است: «داستان، واقعیت، حقیقت، نظر، نظریه، فرض، فرضیه، اندیشه، فکر، پیشنهاد، شایعه، بیان، گفته، پیام، اعلامیه، اختاریه، خبر، سیاست و غیره». او همچنین به درستی تصریح کرده است که گروه اسمی حاوی این جمله‌واره‌ها نیز می‌تواند دارای تمام نقش‌هایی باشد که اسم‌ها می‌توانند بگیرند. غلامعلی زاده در مورد تفاوت‌های جمله‌واره‌های موصولی و جمله‌واره‌های متممی تنها به یک ویژگی صوری اشاره کرده است، و آن اینکه هسته جمله‌واره‌های متممی هیچ ردی^۲ در درون جمله‌واره ندارد، اما هسته جمله‌واره‌های موصولی لزوماً دارای رد یا نقشی نحوی درون آن جمله‌واره است (همان: ۱۶۲). ما در این مقاله، ضمن بسط تفاوت اخیر، درباره تفاوت‌های صوری دیگری نیز که بین این دو نوع بند یا جمله‌واره وجود دارد بحث خواهیم کرد.

۲-۳ مباحث نظری

بسیاری از دستورنویسان زایشی معتقدند که آنچه در دستورهای توصیفی از آن تحت عنوان متمم‌های بنده اسم یاد می‌شود در واقع متمم^۳ به معنای مرسوم آن نیستند بلکه

1. Modifier

2. trace

3. complement

افزوده‌ها^۱ یا توصیف‌گرهایی^۲ هستند که هسته اسمی در گروه اسمی را توصیف می‌کنند. مثلاً گریمشاو (GRIMSHAW 1990: 74) و کاین (KAYNE 2008) معتقدند که هسته بندهای وابسته اسم در مثال‌های ذیل قادر به تخصیص نقش تتا^۳ به وابسته‌های بندی خود نیستند و لذا افزوده محسوب می‌شوند:

16. The idea [that he may stay on for another mandate]
17. The news [that Sinatra was leaving New York]
18. The claim [that parallel galaxies exist]

ابو (ABOH 2005) تصریح می‌کند که این به اصطلاح متمم‌ها در واقع بندهای موصولی پنهانی^۴ هستند که اسم هسته را در گروه اسمی توصیف^۵ می‌کنند. هگمن (HAEGEMAN 2010) نیز معتقد است که متمم‌های بندی اسم‌ها در واقع بندهای موصولی^۶ یا افزوده‌های موصولی^۷ موصولی^۷ هستند که موضوع درون بند را موصولی^۸ می‌کنند. مثلاً هگمن جمله انگلیسی a در زیر را به شکل b تحلیل می‌کند (Ibid: 13; No. 29e-f):

- 19- a: The claim that Sonia had bought a lottery ticket.
- b: [_{DP} The claim _i [_{CP} \emptyset _i [that [_{IP} Sonia [_{t_i} [had bought a lottery ticket]]]]].

برخی دستورنویسان توصیفی نیز به دنبال بحث‌های فوق می‌گویند که بندهای متمم اسم در واقع نوعی بند بدلی^۹ و در نتیجه نوعی افزوده هستند. مثلاً گرین‌باوم و کوئرک (GREENBAUM & QUIRK 2002: 371) معتقدند که بندهای بدلی از این حیث که با that آغاز می‌شوند مانند بندهای موصولی هستند، اما تفاوت آنها با بندهای موصولی در این است که هسته گروه اسمی در آنها باید لزوماً اسم معنا^{۱۰} باشد؛ یعنی مثلاً اسم‌هایی مانند fact, presupposition, reply, remark, answer, و غیره (برای استدلال‌هایی در رد نظر اخیر نک. PAYNE 2010: 11-12). دیدگاهی مشابه دیدگاه فوق در میان زبان‌شناسان غیرزایشی نیز طرف‌دارانی دارد. مثلاً سینک و کراپووا (CINQUE & KRADOVA 2013)، ضمن تأیید نظر

1. Adjuncts
4. hidden relatives
7. relative adjuncts
10. abstract noun

2. modifiers
5. modify
8. relativize

3. th-role assignment
6. relative clauses
9. appositive clause

زبان‌شناسانی که از بندهای موصولی پنهانی سخن می‌گویند، تصریح می‌کنند که هر بند متممی در زبان‌هایی چون انگلیسی و ایتالیایی و بلغاری، در واقع یک بند موصولی تقلیل‌یافته است. مثلاً آنها برای جمله انگلیسی (20-a) قائل به زیرساختی چون جمله (20-b) هستند (Ibid: 5):

20- a: The story that Fred didn't report his income...

b: The story [_{CP} which is [_{CP} that Fred didn't report his income]]...

اما در اکثر دستوره‌های توصیفی (e.g. PAYNE 2010; QUIRK et.al. 1985) و نیز در دستوره‌های وابستگی (AQEL 2003 [تمام مقالات مربوط به ظرفیت اسم]؛ HUDSON 2010: 288-290)، بندهای متمم اسم و بندهای افزوده اسم را بندهای متفاوتی با نقش‌های نحوی کاملاً گوناگونی در نظر می‌گیرند. بر اساس نظریه وابستگی، بخش عمده‌ای از اطلاعات نحوی زبان در واژگان زبان درج می‌شود؛ یعنی در مقابل هر واژه در واژگان، علاوه بر اطلاعات مربوط به مقوله دستوری و معنا و تلفظ و غیره، اطلاعاتی نیز درباره ساخت ظرفیتی آن واژه درج می‌شود. در این معنا، تحلیل نحوی جمله همواره با توجه به اطلاعات نحوی - واژگانی مندرج در واژگان صورت می‌پذیرد. بند متمم اسم از زمره اطلاعات نحوی - واژگانی برخی از اسم‌هاست، در حالی که بند افزوده اسم بعد از بیرون آمدن اسم از واژگان و قرار گرفتن آن در جمله بدان افزوده می‌شود. تقریباً تمام اسم‌ها را می‌توان با بند افزوده اسم توصیف کرد، اما فقط برخی از اسم‌ها دارای وابسته بند متممی هستند. اسم‌هایی را که در ظرفیت خود دارای یک بند متممی هستند اسم‌های گزاره‌ای^۱ می‌نامیم. این اسم‌ها که عمدتاً اسم معنا و مشتق از فعل^۲ هستند، عبارت‌اند از مصدرها و اسم مصدرها و حاصل مصدرها (طیب‌زاده ۱۳۹۱: ۱۹۷-۲۰۳؛ نیز نک. صادقی و ارژنگ ۱۳۵۸: ۹۷؛ غلامعلی‌زاده ۱۳۸۶: ۱۳۹-۱۸۰ و مخصوصاً صادقی ۱۳۵۰ الف: ۳۰۹). مثلاً «اعتقاد، برداشت، تصور، توضیح، طرح، عقیده، قصد، نظر، نقشه» از زمره اسم‌هایی هستند که در ساخت ظرفیتی خود که در واژگان زبان منعکس می‌شود، دارای بند متممی‌اند (در این زمینه نک. طیب‌زاده ۱۳۹۱: ۲۰۶-۲۱۰). بعداً خواهیم دید

1. predicative nouns

2. deverbal noun

که هر اسم گزاره‌ای را می‌توان علاوه بر بند متمم اسم، با بند افزوده اسم هم توصیف کرد. مثلاً در مثال (۲۱- الف) اسم «عقیده» در مقام اسمی گزاره‌ای، بندی متممی گرفته است، اما در جمله (۲۱- ب) همان اسم در مقام اسمی معمولی، با بندی افزوده‌ای توصیف شده است:

۲۱- الف: با عقیده علی [که خشونت راه رسیدن به صلح و دموکراسی نیست] کاملاً موافقم.

ب: با عقیده علی [که بسیار زیباست] کاملاً موافقم.

۴. تفاوت‌های بندهای افزوده اسم با بندهای متمم اسم

حال وقت آن است که به ویژگی‌های انواع بندهای وابسته اسم، و مخصوصاً به تفاوت‌ها و نیز شباهت‌های موجود میان بندهای افزوده اسم و بندهای متمم اسم پردازیم.

۱-۴ هسته در بندهای وابسته اسم

هسته بند افزوده اسم را معمولاً بدون هیچ وابسته‌ای نمی‌توان به کار برد:

۲۲- الف: پسری [که دیدی] برادرم بود.

ب:؟؟ پسر برادرم بود^۱

۲۳- الف: کتابی [که خریدی] بسیار خواندنی بود.

ب:؟؟ کتاب بسیار خواندنی بود

اما در مورد بندهای توضیحی، که هسته آنها لاجرم معرفه است، می‌توان هسته را بدون هیچ وابسته‌ای به کار برد:

۲۴- الف: سعدی، که گلستان و بوستان را نگاشته، شاعر بزرگی است.

ب: سعدی شاعر بزرگی است.

وضعیت هسته بندهای متمم اسم از این حیث مانند وضعیت هسته بندهای توصیفی

۱. البته این‌گونه جملات در بافت و مخصوصاً با مکتبی پس از فاعل، می‌توانند قابل قبول باشند، اما در حال اندکی نشان‌دار هستند.

افزوده اسم است؛ یعنی آنها را نیز بدون وابسته‌های دیگرشان نمی‌توان به کار برد:

۲۵- الف: عقیده علی [که جنگ بعدی بر سر آب خواهد بود] صحیح است.

ب: این عقیده [که جنگ بعدی بر سر آب خواهد بود] صحیح است.

ج: *عقیده صحیح است.

۲۶- الف: استنباط او [که نمایندگان تباری کرده‌اند] صحیح است.

ب: این استنباط صحیح است.

ج: *استنباط صحیح است.

۲۷- الف: تحلیل آنها [که او از اینجا فرار می‌کند] اشتباه است.

ب: این تحلیل اشتباه است.

ج: *تحلیل اشتباه است.

اما از این حیث می‌توان به وجود تفاوت مهمی بین هسته بندهای افزوده اسم و هسته بندهای متمم اسم اشاره کرد. می‌دانیم که اسم جنس اسمی است که مصداقی کلی دارد (طیب‌زاده ۱۳۹۱: ۲۳۸-۲۳۹؛ نیز نک. حسن‌زاده ۱۳۸۹: ۶۱-۶۳):

۲۸. کوه زیباست.

۲۹. زن دیدم.

حال می‌گوییم اگر اسم جنس را بدون یای موصولی به کار ببریم آن اسم فقط با بند افزوده اسم توصیف می‌شود:

۳۰. کوه، که نماد قدرت است، معادن بسیاری را در دل خود جای داده است.

۳۱. زن، که مظهر آفرینش و زیبایی است، خدا را به یاد من می‌آورد.

به عبارت دیگر، اگر اسم‌های گزاره‌ای را مبدل به اسم جنس کنیم، خودبه‌خود مبدل به اسمی غیرگزاره‌ای می‌شوند و بند وابسته آنها نیز مبدل به بند افزوده اسم می‌شود. مثلاً بندهای موجود در مثال‌های (۳۲-۳۳) بند افزوده اسم هستند و نه بند متمم اسم:

۳۲. عقیده، که مهم‌ترین رکن حیات معنوی انسان است، اساس زندگی او را تشکیل می‌دهد.

۳۳. ؟عقیده، که آن را مهم‌ترین رکن حیات معنوی انسان می‌دانیم، اساس زندگی او را تشکیل

می‌دهد.

بعداً خواهیم دید که بندهای وابسته فوق، به علت وجود خلأهای ارجاعی و ضمائر تکراری، از زمره بندهای افزوده اسم هستند و نه بندهای متمم اسم.

۲-۴ تبدیل بندهای وابسته اسم به وابسته‌ای دیگر

بندهای افزوده اسم را اگر توصیفی باشند می‌توان با صفت یا اسم، و اگر توضیحی باشند می‌توان با یک گروه اسمی در مقام بدل جابه‌جا کرد،^۱ اما بندهای متمم اسم غالباً فقط قابل تبدیل به متمم حرف اضافه‌ای هستند. مثلاً در مثال‌های (۳۴-۳۶) بندهای افزوده توصیفی مبدل به صفت یا مضاف‌الیه، و بندهای افزوده توضیحی مبدل به بدل شده‌اند، اما هیچ‌کدام از آنها را نمی‌توان با گروه حرف اضافه‌ای جابه‌جا کرد:

۳۴- الف: پسری [که دیدی بند افزوده توصیفی] برادرم بود.

ب: پسر [دیده شده صفت] برادرم بود.

ج: * پسر درباره دیدن برادرم بود.

۳۵- الف: کتابی [که متعلق به دوستم است بند افزوده توصیفی] بسیار خواندنی بود.

ب: کتاب [دوستم مضاف‌الیه] بسیار خواندنی بود.

ج: * کتاب درباره خریدن شدن بسیار خواندنی بود.

۳۶- الف: سعدی، [که گلستان و بوستان را نگاشته بند افزوده توضیحی]، از بزرگ‌ترین شاعران است.

ب: سعدی، [نگارنده گلستان و بوستان بدل]، از بزرگ‌ترین شاعران است.

ج: * سعدی، درباره گلستان و بوستان، از بزرگ‌ترین شاعران است.

اما بندهای متمم اسم قابل تبدیل شدن به متمم حرف اضافه‌ای هستند و به جای آنها نمی‌توان از صفت یا بدل استفاده کرد:

۳۷- الف: عقیده علی [که جنگ بعدی بر سر آب خواهد بود] صحیح است.

ب: عقیده علی درباره اینکه جنگ بعدی بر سر آب خواهد بود صحیح است.

۱. به تعبیر دستوریان سنتی، این‌گونه بندها قابل تأویل به صفت یا اسم هستند (نک. حسن‌زاده ۱۳۸۹).

- ج: * عقیده علی جنگ شده صحیح است.
د: * عقیده علی، ایجاد جنگ بر سر آب، صحیح است.
۳۸- الف: استنباط او [که نمایندگان تباری کرده اند] صحیح است.
ب: استنباط او درباره تباری نمایندگان صحیح است.
ج: * استنباط او نمایندگان تباری شده صحیح است.
د: * استنباط او، تباری نمایندگان، صحیح است.
۳۹- الف: نقشه آنها [که از اینجا فرار کنند] با شکست مواجه شد.
ب: نقشه آنها درباره فرار از اینجا با شکست مواجه شد.
ج: * نقشه آنها فرار شده با شکست مواجه شد.
د: * نقشه آنها، فرار از اینجا، با شکست مواجه شد.

۳-۴ حرف نشانه «که» در بندهای وابسته اسمی

بعضی زبان‌ها از حرف‌های نشانه بند^۱ متفاوتی در بندهای افزوده اسم و بندهای متمم اسم خود استفاده می‌کنند. مثلاً در زبان بلغاری و پرتغالی برزیلی از حرف‌های نشانه متفاوتی در بندهای متمم اسم و بندهای افزوده استفاده می‌شود، اما در بعضی زبان‌های دیگر، مانند ایتالیایی، انگلیسی، فرانسوی، و صرب‌وکرواتی، از حرف‌های نشانه یکسانی در هر دو نوع بند استفاده می‌شود (89: KROEGER 2005; KAYNE 2008; ARSENJEVIC 2009). فارسی از زمره زبان‌هایی است که در هر دو بند وابسته اسمی آن از حرف نشانه واحدی، یعنی «که»، استفاده می‌شود. وجود حرف نشانه «که» در تمام بندهای وابسته اسم، چه افزوده باشند و چه متمم، الزامی است و حذف آن جمله را بدساخت می‌کند:

- ۴۰- الف: مردی [که دیدی] برادرم بود.
ب: * مردی [دیدی] برادرم بود.
۴۱- الف: تهران، [که شهر بزرگی است]، بسیار زیباست.
ب: * تهران، [شهر بزرگی است]، بسیار زیباست.

- ۴۲- الف: عقیده علی [که جنگ بعدی بر سر آب خواهد بود] صحیح است.
ب: *عقیده علی [جنگ بعدی بر سر آب خواهد بود] صحیح است.
۴۳- الف: استنباط او [که نمایندگان تبانی کرده‌اند] صحیح است.
ب: *استنباط او [نمایندگان تبانی کرده‌اند] صحیح است.

۴-۴ نقش‌های بند وابسته اسم در جمله

بند افزوده اسم در زبان فارسی در نقش افزوده پسین فاعل، متمم مستقیم، متمم حرف اضافه‌ای، و مضاف‌الیه ظاهر می‌شود (در مثال‌های ذیل هسته را سیاه کرده‌ایم):

— افزوده پسین فاعل:

۴۴. مردی [که درباره‌اش حرف می‌زدیم] آمد.

— افزوده پسین متمم مستقیم:

۴۵. مردی را [که درباره‌اش حرف می‌زدیم] دیدم.

— افزوده پسین اسم در متمم حرف اضافه‌ای:

۴۶. از مردی [که درباره‌اش حرف می‌زدیم] متنفرم.

— افزوده پسین مضاف‌الیه:

۴۷. در باغی [که درباره‌اش حرف می‌زدیم] بسیار قدیمی است.

بند متمم اسم هم در نقش متمم تمام موارد فوق ظاهر می‌شود:

— متمم برای فاعل:

۴۸. عقیده علی [که جنگ بعدی بر سر آب است] صحیح است.

— متمم برای متمم مستقیم:

۴۹. عقیده علی را [که جنگ بعدی بر سر آب است] قبول دارم.

— متمم برای متمم حرف اضافه‌ای:

۵۰. با عقیده علی [که جنگ بعدی بر سر آب است] موافقم.

— متمم برای مضاف‌الیه:

۵۱. قدمت عقیده علی [که جنگ بعدی بر سر آب است] خیلی زیاد نیست.

۴-۵ ضمیر تکراری و خلأ ارجاعی در بندهای وابسته اسم

بندهای افزوده اسم یا دارای ضمیر تکراری^۱ هستند یا خلأ ارجاعی^۲. وضعیت ضمیر تکراری یا خلأ ارجاعی در بندهای افزوده اسم بستگی دارد به نقش آن ضمیر در درون بند افزوده اسم. کینان و کامری (KEENAN & COMRIE 1977) سلسله مراتب ذیل را برای امکان وقوع ضمیر تکراری در بندهای موصولی به دست داده‌اند:

۵۲. صفت تفضیلی > مضاف‌الیه > افزوده حرف اضافه‌ای > متمم حرف اضافه‌ای > متمم مستقیم > فاعل

در زبان فارسی ضمیر تکراری در بند افزوده اسم هیچ‌گاه در نقش فاعل ظاهر نمی‌شود، اما لزوماً به شکل خلأ ارجاعی وجود دارد:

۵۳- الف: ماشینی [که Ø به سرعت پیچید] مال دوستم بود.

ب: * ماشینی [که آن ماشین به سرعت پیچید] مال دوستم بود.

متمم مستقیم در بند افزوده اسم، هم به شکل خلأ ارجاعی ظاهر می‌شود و هم به شکل ضمیر تکراری:

۵۴- الف: ماشینی [که Ø خریدی] مال دوستم بود.

ب: ماشینی [که آن را خریدی] مال دوستم بود.

ج: ماشینی [که خریدیش] مال دوستم بود.

متمم حرف اضافه‌ای در بند افزوده اسم فقط و لزوماً در نقش ضمیر تکراری ظاهر می‌شود:

۵۵- الف: مردی که [با او ازدواج کرد] اینجا کار می‌کند.

ب: مردی که [باهاش ازدواج کرد] اینجا کار می‌کند.

1. resumptive pronoun

2. anaphoric gap

ج: * مردی که [Ø ازدواج کرد] اینجا کار می‌کند.^۱

و مضاف‌الیه نیز در بند افزوده اسم باید در نقش ضمیر تکراری ظاهر شود. این ضمیر معمولاً به شکل ضمیر متصل ظاهر می‌شود:

۵۶- الف: به مردی [که سگش سفید بود] سلام کردم.

ب: به مردی [که سگ او سفید بود] سلام کردم.

ج: * به مردی [که سگ Ø سفید بود] سلام کردم.

اما بند متمم اسم، برخلاف بند افزوده اسم، فاقد هرگونه ضمیر تکراری و خلأ ارجاعی است؛ یعنی هیچ ضمیر و هیچ خلأئی در بند متمم اسم وجود ندارد که با هسته آن بند هم مرجع باشد، و این یکی از بزرگ‌ترین تفاوت‌های بندهای افزوده اسم با بندهای متمم اسم است. به همین دلیل است که تقریباً در تمام جمله‌هایی که در بردارنده بند موصولی هستند، می‌توان بندهای پایه و پیرو را هم‌پایه کرد، بی‌آنکه انسجام متن به هم بخورد:

۵۷- الف: ماشینی [که به سرعت پیچید] مال دوستم بود.

ب: ماشینی به سرعت پیچید، و آن ماشین مال دوستم بودم.

۵۸- الف: مردی که [با مریم ازدواج کرد] اینجا کار می‌کرد.

ب: مردی اینجا کار می‌کرد، و او با مریم ازدواج کرد.

اما در جمله‌هایی که در بردارنده بند متممی هستند نمی‌توان بند پایه و پیرو را، بی‌آنکه انسجام متن به هم بخورد، هم‌پایه کرد:

۵۹- الف: عقیده علی [که جنگ بعدی بر سر آب است] صحیح است.

ب: * عقیده علی صحیح است، و جنگ بعدی بر سر آب است.

۶۰- الف: تحلیل او [که انقلابی در راه است] صحیح است.

ب: * تحلیل او صحیح است، و انقلابی در راه است.

همان طور که گفتیم اسم‌های گزاره‌ای را علاوه بر بند متمم اسم می‌توان با بند افزوده

۱. این مثال به‌عنوان هم‌معنا با مثال‌های هم‌گروه خود ناستوری است.

اسم نیز به کار برد. در این صورت برای تشخیص بندهای متمم از بندهای افزوده می‌توان به این نکته توجه کرد که در بندهای افزوده اسم همواره یک خلاً ارجاعی یا یک ضمیر تکراری وجود دارد، اما بندهای متمم اسم دارای این ویژگی نیستند. مثلاً بند وابسته اسم در جمله (۶۱) متمم است، زیرا فاقد هرگونه خلاً ارجاعی و ضمیر تکراری است:

۶۱. با عقیده علی [که خشونت راه رسیدن به صلح و دموکراسی نیست] کاملاً موافقم.

اما تمام بندهای وابسته اسم در جمله‌های (۶۲ الف - و) افزوده هستند؛ زیرا یا دارای خلاً ارجاعی اند، یا ضمیر تکراری (ضمیرهای تکراری را با خطی در زیر آنها مشخص کرده‌ایم):

۶۲. با عقیده علی [که بسیار زیباست] کاملاً موافقم.

الف: با عقیده علی [که بسیار زیباست] کاملاً موافقم.

ب: با عقیده علی [که آن را بسیار زیبا یافتم] کاملاً موافقم.

ج: با عقیده علی [که بسیار زیبا یافتمش] کاملاً موافقم.

د: با عقیده علی [که درباره آن بسیار صحبت کردیم] کاملاً موافقم.

ه: با عقیده علی [که صحبت آن شد] کاملاً موافقم.

و: با عقیده علی [که صحبتش شد] کاملاً موافقم.

۶-۴ یای موصولی در بندهای وابسته اسم

یای موصولی (به تعبیر ناتل خانلری ۱۳۶۶: ۲۵۵) به پی‌بستی اطلاق می‌شود که به هسته بند موصولی می‌پیوندد و آن را به بند وابسته اسم متصل می‌سازد.^۱ یای موصولی همان کاری را انجام می‌دهد که کسره اضافه در گروه‌های صفت و موصوف یا مضاف و مضاف‌الیه، با متصل کردن هسته (مضاف یا موصوف) به وابسته (مضاف‌الیه یا صفت) انجام می‌دهد. چنان‌که می‌دانیم یای موصولی یای معرفه نیست؛ زیرا آنچه هسته بند موصولی را معرفه می‌کند خود بند موصولی است و نه یای موصولی. یای موصولی یای نکره هم نیست؛ زیرا

۱. یای موصولی را در دستورهای سنتی با عناوین دیگری چون یای نکره (همايونفرخ ۱۳۳۹)، یای تعريف اشاره (شفایي ۱۳۶۳؛ حسن‌زاده ۱۳۸۹)، و یای تخصيص نکره (معین ۱۳۶۳) نیز آورده‌اند.

به اسم‌های معرفه نیز می‌پیوندد:

۶۳. آن پسری که دیدی برادر من است.

همچنین یای موصولی یای وحدت هم نیست؛ چون با اسم‌های جمع نیز به کار می‌رود:

۶۴. پسرهایی که دیدی برادران من هستند.

پس چنان‌که گفتیم یای موصولی تنها نشان می‌دهد کدام عضو در درون جمله پایه، هسته بند پیرو است (نیز نک. حسن‌زاده ۱۳۸۹). حال می‌گوییم یای موصولی فقط به هسته بندهای افزوده اسم توصیفی می‌پیوندد و هسته بندهای افزوده اسم توضیحی و نیز بندهای متمم اسم این «یا» را به خود نمی‌گیرند:

۶۵. مردی [که دیدی] برادرم بود.

۶۶- الف: تهران، [که شهر بزرگی است]، بسیار زیباست.

ب: *تهرانی [که شهر بزرگی است]، بسیار زیباست.

۶۷. *عقیده‌ای [که جنگ بعدی بر سر آب خواهد بود] صحیح است.

به عبارت دیگر، هرگاه اسمی با استفاده از این «یا» به بند وابسته اسم متصل شود آن بند لزوماً بند افزوده اسم توصیفی است. مثلاً در جمله (۶۸) اسم «عقیده» که اصولاً از اسم‌های گزاره‌ای است، در مقام اسمی غیرگزاره‌ای همراه با یای موصولی به کار رفته است:

۶۸. عقیده‌ای [که می‌گوید جنگ بعدی بر سر آب است]، کاملاً صحیح است.

توجه کنید که در بند وابسته فوق یک خلاً ارجاعی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد این بند واقعاً یک بند افزوده اسم است نه یک بند متمم اسم:

۶۹. عقیده‌ای [که Ø می‌گوید جنگ بعدی بر سر آب است]، کاملاً صحیح است.

۴-۷ حرکت بندهای وابسته اسم

محل بی‌نشان بندهای وابسته اسم، چه افزوده باشند و چه متمم، همواره در پایان گروه اسمی مرکب است، اما برخی از بندهای وابسته اسم را می‌توان از جایگاه بی‌نشان خودشان به پس از فعل حرکت داد و بین اعضای گروه اسمی مرکب فاصله انداخت. از این حیث

بندهای افزوده توضیحی وضعیت خاصی دارند، اما تفاوت چندانی بین بندهای افزوده اسم توصیفی و بندهای متمم اسم وجود ندارد.
بندهای افزوده اسم اگر توضیحی باشند مطلقاً از جایگاه خودشان به موقعیت پس از فعل حرکت نمی‌کنند:

۷۰- الف: حسن [که از او خوششان آمد] زندگی ساده‌ای داشت.

ب: * حسن زندگی ساده‌ای داشت [که از او خوششان آمد].

۷۱- الف: اتللو [که دیشب آن را دیدید] اثر شکسپیر است.

ب: * اتللو اثر شکسپیر است [که دیشب آن را دیدید].

اما بندهای افزوده اسم توصیفی را می‌توان از جایگاه بی‌نشان که بلافاصله پس از هسته است، به موقعیت پس از فعل منتقل کرد. در مثال‌های (۷۲-۷۵) می‌بینیم که هسته بند افزوده اسم چه فاعل باشد، چه متمم مستقیم، چه متمم حرف اضافه‌ای و چه مضاف‌الیه، می‌توان آن بند را به موقعیت پس از فعل منتقل کرد:

— افزوده پسین فاعل:

۷۲- الف: مردی [که درباره‌اش حرف می‌زدیم] آمد.

ب: مردی آمد [که درباره‌اش حرف می‌زدیم].

— افزوده پسین متمم مستقیم:

۷۳- الف: مردی را [که درباره‌اش حرف می‌زدیم] دیدم.

ب: مردی را دیدم [که درباره‌اش حرف می‌زدیم].

— افزوده پسین اسم در متمم حرف اضافه‌ای:

۷۴- الف: از مردی [که درباره‌اش حرف می‌زدیم] متنفرم.

ب: از مردی متنفرم [که درباره‌اش حرف می‌زدیم].

— افزوده پسین مضاف‌الیه:

۷۵- الف: در باغی [که درباره‌اش حرف می‌زدیم] بسیار قدیمی است.

ب: در باغی بسیار قدیمی است [که درباره‌اش حرف می‌زدیم].

در مورد بندهای متمم اسم نیز کم‌و‌بیش چنین وضعیتی حاکم است؛ یعنی هستهٔ بند متمم اسم چه فاعل باشد، چه متمم مستقیم، چه متمم حرف‌اضافه‌ای و چه مضاف‌الیه، آن متمم را می‌توان از جایگاه بی‌نشان به موقیعت پس از فعل منتقل کرد:

— متمم فاعل:

۷۶- الف: عقیدهٔ علی [که جنگ بعدی بر سر آب است] صحیح است.
ب: عقیدهٔ علی صحیح است [که جنگ بعدی بر سر آب است].

— الف: متمم برای متمم مستقیم:

۷۷- الف: عقیدهٔ علی را [که جنگ بعدی بر سر آب است] قبول دارم.
ب: عقیدهٔ علی را قبول دارم [که جنگ بعدی بر سر آب است].

— متمم برای متمم حرف‌اضافه‌ای:

۷۸- الف: از عقیدهٔ علی [که جنگ بعدی بر سر آب است] متنفرم.
ب: از عقیدهٔ علی متنفرم [که جنگ بعدی بر سر آب است].

— متمم برای مضاف‌الیه:

۷۹- الف: قدمتِ عقیدهٔ علی [که جنگ بعدی بر سر آب است] خیلی زیاد نیست.
ب: قدمتِ عقیدهٔ علی خیلی زیاد نیست [که جنگ بعدی بر سر آب است].

البته بر حرکت بند موصولی از جایگاه بی‌نشان خود به جایگاه پس از فعل، محدودیت‌های نقشی خاصی مانند طول بند موصولی، نوع فعل بند پیرو، وضعیت معرفگی هستهٔ بند موصولی و غیره حاکم است که در اینجا فرصت پرداختن به آنها نیست (برای بحث بیشتر در این زمینه نک. راسخ‌مهند و همکاران ۱۳۹۱: ۲۱-۴۰).

۴-۸ درونه‌گیری در بندهای وابسته اسم

گاهی اسمی در درون بند افزودهٔ اسم با بند دیگری توصیف می‌شود، که به این عمل درونه‌گیری^۲ می‌گوییم. درونه‌گیری در درون بند افزودهٔ اسم از محدودیت‌های خاصی

1. functional

2. embedding

پیروی می‌کند که به نقش اسم مورد نظر در بند پیرو بستگی دارد. اسمی که در بند افزوده دارای نقش فاعلی است درونه‌گیری نمی‌شود (مثال‌ها از صفوی ۱۳۷۳: ۱۹۳-۱۹۷):

۸۰- الف: سیمین [که همان دختری است] [که تو او را به من معرفی کردی] فردا به آمریکا می‌رود.

ب: *سیمین [که همان دختری] [که تو او را به من معرفی کردی] است [فردا به آمریکا می‌رود].

اسمی که در بند افزوده دارای نقش متمم مستقیم است نیز معمولاً درونه‌گیری نمی‌شود:

۸۱- الف: سگه‌ای [که من آن را خریدم] [که انگار متعلق به دوران صفویه بود] قلبی از آب درآمد.

ب: *سگه‌ای [که من آن را] [که انگار متعلق به دوران صفویه بود] خریدم [قلبی از آب درآمد].

اما اسمی که در بند افزوده جزوی از متمم حرف اضافه‌ای است درونه‌گیری می‌شود:

۸۲- الف: استادی [که برای دانشجویانی سخنرانی کرده بود] [که دو هفته غایب بودند] از آنها امتحان مشکلی گرفت.

ب: استادی [که برای دانشجویانی] [که دو هفته غایب بودند] سخنرانی کرده بود [از آنها امتحان مشکلی گرفت].

و اسمی هم که در درون بند افزوده، مضاف‌الیه است درونه‌گیری می‌شود:

۸۳- الف: دوستم [که به غذای دانشجویی ناخنک زده بود] [که با من درس داشت]، خیلی خجالت کشید.

ب: دوستم [که به غذای دانشجویی] [که با من درس داشت] ناخنک زده بود، خیلی خجالت کشید.

درونه‌گیری در بند متمم اسم هم وضع کم‌ویش مشابهی دارد. یعنی اسمی که در درون بند متمم اسم دارای نقش فاعلی است درونه‌گیری نمی‌شود:

۸۴- الف: عقیده‌ علی [که مردم موفق‌اند] صحیح است.

ب: * عقیده علی [که مردمی [که مهاجرت کردند] موفق اند] صحیح است.
اسمی که در درون بند متمم اسم دارای نقش متمم مستقیم است درونه گیری نمی شود:

۸۵- الف: عقیده علی [که مردم را می شناسد] صحیح است.
ب: * عقیده علی [که مردمی را [که مهاجرت کردند] می شناسد] صحیح است.

اسمی که در بند متمم اسم بخشی از متمم حرف اضافه ای است درونه گیری می شود:
۸۶- الف: عقیده علی [که از مردم باید ترسید] صحیح است.

ب: عقیده علی [که از مردمی [که گرسنه اند] باید ترسید] صحیح است.

و اسمی نیز که در درون بند متمم اسم، مضاف الیه است درونه گیری می شود:

۸۷- الف: عقیده علی [که به وضعیت مردم رسیدگی شده] صحیح است.
ب: عقیده علی [که به وضعیت مردمی [که اینجا بودند] رسیدگی شده] صحیح است.

۹-۴ انباشتگی بندهای وابسته اسم

مولتون (20: Moulton 2009) به هنگام بحث درباره تفاوت های موجود میان بندهای افزوده اسم و بندهای متمم اسم نشان می دهد که در بسیاری از زبان های دنیا می توان از چند بند موصولی پیاپی برای توصیف یک هسته واحد استفاده کرد، اما چنین امری در مورد بندهای متمم اسم امکان پذیر نیست. این ویژگی که از آن تحت عنوان انباشتگی^۱ یاد می شود در زبان فارسی هم کم و بیش حاکم است. مثلاً در جمله (۸۸) از دو بند موصولی برای توصیف هسته («شایعه») استفاده شده است:

۸۸. آن شایعه [که روزنامه ها درست کردند بند افزوده]، [همان] که تو هم آن را قبول کردی بند افزوده]، کاملاً بی اساس است.

اما در مثال (۸۹) همان هسته را نمی توان با دو بند متممی متوالی توصیف کرد:

۸۹. * آن شایعه [که علی در تهران است بند متممی] [همان] که خیلی هم خوشحال است بند متممی] کاملاً بی اساس است.

در مثال (۹۰) نیز اسم «کتاب» دو بند موصولی متوالی دارد:

۹۰. کتاب من [که روی میز است بند افزوده]، [همان] که مینا آن را خوانده است بند افزوده]، بسیار قدیمی است.

اما اسم گزاره‌ای «استنباط» در مثال (۹۱) نمی‌تواند دو بند متممی متوالی بگیرد:

۹۱. *استنباط او [که آنها با هم قهر هستند بند متممی] [همان] که نمی‌خواهند به مسافرت بروند بند متممی] کاملاً اشتباه است.

۱۰-۴ ترتیب بندهای وابسته اسم

گاهی اسمی هم با یک بند افزوده اسم توصیف می‌شود و هم با یک بند متمم اسم. در این صورت ترتیب آنها در اکثر زبان‌های دنیا، مثلاً انگلیسی، آلمانی، یونانی، ایتالیایی و تایی، به این شکل است که ابتدا بند موصولی می‌آید و سپس بند متمم اسم (Haider 1997: 14; Jenks 2011: 134). در فارسی نیز ترتیب بندهای وابسته اسم به همین شکل است. مثلاً در جمله‌های (۹۲-۹۳) اگر ترتیب فوق به هم بخورد، جمله غیردستوری می‌شود:

۹۲- الف: عقیده علی [که تو آن را می‌دانی بند افزوده] [مبنی بر این] که جنگ می‌شود بند متمم] صحیح نیست.

ب: *عقیده علی [مبنی بر این] که جنگ می‌شود [که تو آن را می‌دانی] صحیح نیست.

۹۳- الف: فرضیه او [که توضیحش را داد] [مبنی بر این] که خشکسالی تمام شده است [جالب است].

ب: *فرضیه او [مبنی بر این] که خشکسالی تمام شده است [که توضیحش را داد] جالب است.

۱۱-۴ اسنادی شدن بندهای وابسته اسم

سینک و کراپووا (Cinque & Karapova: 2013) نشان داده‌اند که در بسیاری از زبان‌های دنیا، مثلاً انگلیسی و بلغاری و ایتالیایی، فقط بند متمم اسم را می‌توان مبدل به مسند کرد، و تبدیل بند موصولی به مسند امکان‌پذیر نیست. مثلاً در جمله (۹۴) بند متمم اسم، قابل

تبدیل شدن به مسند است:

- 94- a. The story [that Fred didn't report his income]...
b. The story is [that Fred didn't report his incomes.]

اما در مثال (۹۵)، بند افزوده اسم قابل تبدیل شدن به مسند نیست:

- 95- a. The idea [that Fred mentioned]...
b. *The idea [is that Fred mentioned.]

در فارسی هم وضعیت به همین منوال است. مثلاً در جمله (۹۶) بند متمم اسم برای اسم گزاره‌ای «قضیه» را می‌توان به‌سادگی مبدل به مسند کرد:

- ۹۶- الف: این قضیه [که علی پول ندارد بند متمم اسم]...
ب: قضیه [این - است - که علی پول ندارد مسند].

اما اگر همین اسم «قضیه» را در مقام اسمی غیرگزاره‌ای و همراه با بندی موصولی به کار ببریم، آن بند موصولی دیگر قابل تبدیل شدن به مسند نخواهد بود:

- ۹۷- الف: این قضیه [که علی تعریف کرد بند افزوده اسم]...
ب: *قضیه [این - است - که علی تعریف کرد مسند].

یا مثلاً در جمله (۹۸) بند متمم اسم قابل تبدیل شدن به مسند است:

- ۹۸- الف: تصمیم او [که به دانشگاه بروند بند متمم اسم]...
ب: تصمیم او [این - است - که به دانشگاه بروند مسند].

اما در جمله (۹۹) بند افزوده اسم را نمی‌توان مبدل به مسند کرد:

- ۹۹- الف: کتابی [که برایم آوردی بند افزوده اسم]...
ب: *کتاب [این - است - که برایم آوردی مسند].

۱۲-۴ وجه فعل در بند وابسته اسم

وجه فعل در بند افزوده اسم بسته به اقتضای کلام می‌تواند اخباری یا التزامی باشد؛ یعنی از این حیث هیچ محدودیتی بر وجه فعل در بند افزوده اسم وجود ندارد:

- ۱۰۰- الف: اولین مردی [که می‌بینی] برادرم است.

ب: اولین مردی [که ببینی] برادرم است.

۱۰۱- الف: هر کتابی را [که برایم می خری] می خوانم.

ب: هر کتابی را [که برایم بخری] می خوانم.

اما وجه فعل در بند متمم اسم به نوع اسمی که هسته بند است بستگی دارد. مثلاً «برداشت» از زمره اسم‌های گزاره‌ای است که وجه فعل در بند متمم آن در زمان مضارع حتماً باید اخباری باشد:

۱۰۲- الف: این برداشت شما [که به مردم اجحاف می شود] صحیح نیست.

ب: * این برداشت شما [که به مردم اجحاف بشود] صحیح نیست.

«قصد» از جمله اسم‌های گزاره‌ای است که وجه فعل در بند متمم آن در زمان مضارع باید لزوماً التزامی باشد:

۱۰۳- الف: قصد او [که عمداً به مردم توهین بکند] دیوانگی است.

ب: * قصد او [که عمداً به مردم توهین می کند] دیوانگی است.

و «تصور» نیز از جمله اسم‌هایی است که وجه فعل در بند متمم آن هم می تواند التزامی باشد و هم اخباری:

۱۰۴- الف: تصور او [که علی از ایران می رود] اشتباه است.

ب: تصور او [که علی از ایران برود] اشتباه است.

این مثال‌ها به خوبی نشان می دهند که علاوه بر فعل و قید، اسم نیز قادر به تعیین وجهیت^۱ است.

۵. روابط وابستگی در درون بندهای وابسته اسم

هر مقوله گروهی^۲ لزوماً دارای یک و فقط یک هسته، و صفر تا چند وابسته است که این وابسته‌ها نیز به انواع متمم‌ها (اجباری یا اختیاری) و افزوده‌ها (خاص و عام) تقسیم

1. modality

2. phrasal category

می‌شوند (طیب‌زاده ۱۳۹۱: ۳۶-۴۷). بر اساس انگاره فرافکنی بیشینه،^۱ هسته هر گروه اسمی لزوماً اسم، هسته هر گروه صفتی لزوماً صفت، و هسته هر گروه حرف اضافه‌ای نیز لزوماً حرف اضافه است. در این معنا هسته در درون هر بند وابسته اسم نیز، چه آن بند متمم باشد و چه افزوده، چیزی نیست جز حرف نشانه بند؛ یعنی هسته در بندهای وابسته اسم عبارت است از حرف نشانه، و جمله بعد از حرف نشانه نیز وابسته آن است. مثلاً به روابط وابستگی در درون بندهای وابسته اسم در مثال‌های (۱۰۵-۱۰۷) توجه کنید:

۱۰۵- الف: [کتابی [که دیروز برایم آوردی] بند افزوده اسم توصیفی [گروه اسمی مرکب] خیلی جذاب بود.

ب: [که [دیروز برایم آوردی] جمله] بند افزوده اسم توصیفی]

۱۰۶- الف: [مرجان [که دیروز او را دیدی] بند افزوده اسم توضیحی] [گروه اسمی مرکب] خواهر من است.

ب: [که [دیروز او را دیدی] جمله] بند افزوده اسم توضیحی]

۱۰۷- الف: [تحلیل او] [که در عرض شش ماه جنگ تمام می‌شود] بند متمم اسم [گروه اسمی مرکب] اشتباه بود.

ب: [که [در عرض شش ماه جنگ تمام می‌شود] جمله] بند متمم اسم]

حال این سؤال پیش می‌آید که مثلاً در بند وابسته جمله (۱۰۸) آیا وابستگی جمله به حرف نشانه بند از نوع افزودگی است یا متممی؟

۱۰۸. [که [دیروز او را دیدی] جمله] بند وابسته اسم]

این رابطه شباهت بسیاری به رابطه وابستگی بین حرف اضافه و گروه اسمی بعد از آن در یک گروه حرف اضافه‌ای دارد. مثلاً هسته در گروه حرف اضافه‌ای «از تمام دوستان» عبارت است از حرف اضافه «از»، و گروه اسمی «تمام دوستان» نیز متمم آن حرف اضافه است:

۱۰۹. [از [تمام دوستان] گروه اسمی] [گروه حرف اضافه‌ای]

در این معنا رابطه وابستگی بین حرف نشانه بند و جمله پس از آن حرف نشانه، همواره از نوع متممی است؛ یعنی در بند افزوده «که دیروز او را دیدی»، جمله «دیروز او را دیدی»،

متمم است برای حرف نشانه «که»:

۱۱۰. [که [دیروز او را دیدی] متمم حرف نشانه] بند وابسته اسم]

۶. نتیجه‌گیری

بندهای وابسته به اسم به دو دسته کلی بندهای افزوده اسم (بندهای موصولی) و بندهای متمم اسم تقسیم می‌شوند. این هر دو نوع در مقام آخرین وابسته پسین اسم در گروه اسمی مرگب ظاهر می‌شوند. مهم‌ترین تفاوت بین این دو نوع بند در این است که بند افزوده اسم جزو ظرفیت اسم نیست و به اقتضای کلام و موقعیت به اسم افزوده می‌شود، اما بند متمم اسم در ساخت ظرفیتی اسم قرار دارد و از جمله اطلاعات واژگانی اسم محسوب می‌شود. بسیاری از دستورنویسان زایشی معتقدند که بند متمم اسم در واقع نوعی بند موصولی تقلیل یافته است، و برخی دیگر نیز معتقدند که بندهای متمم اسم، بند بدلی و باز در نتیجه نوعی افزوده‌اند برای اسم. اما در اکثر دستوره‌های توصیفی و نیز در دستوره‌های وابستگی، بندهای متمم اسم و بندهای افزوده اسم را بندهای متفاوتی با نقش‌های نحوی کاملاً گوناگون در نظر می‌گیرند. بر اساس نظریه وابستگی، بخش عمده‌ای از اطلاعات نحوی زبان در درون واژگان زبان درج می‌شود؛ یعنی در مقابل هر واژه در واژگان ذهنی انسان، علاوه بر اطلاعات مربوط به مقوله دستوری و معنا و تلفظ و غیره، اطلاعاتی نیز درباره ساخت ظرفیتی آن واژه موجود است. در این معنا تحلیل نحوی جمله همواره با توجه به اطلاعات نحوی - واژگانی مندرج در واژگان صورت می‌پذیرد. پس بند متمم اسم از زمره اطلاعات نحوی - واژگانی برخی از اسم‌هاست، درحالی که بند افزوده اسم بعد از بیرون آمدن اسم از واژگان و قرار گرفتن آن در جمله بدان افزوده می‌شود. به عبارت دیگر، تقریباً تمام اسم‌ها را می‌توان با بند افزوده اسم توصیف کرد، اما فقط اسم‌های گزاره‌ای که در ظرفیت خود یک بند متممی دارند می‌توانند یا باید یک وابسته بند متممی بگیرند. تفاوت‌های بسیار دیگری میان بندهای افزوده اسم و بندهای متمم اسم وجود دارد که در این مقاله به تعدادی از آنها اشاره کرده‌ایم: اول اینکه بندهای افزوده اسم را اگر توصیفی باشند

می‌توان با صفت یا اسم، و اگر توضیحی باشند می‌توان با یک گروه اسمی در مقام بدل جابه‌جا کرد، اما بندهای متمم اسم غالباً فقط قابل تبدیل به متمم حرف اضافه‌ای هستند. دوم اینکه بندهای افزوده اسم یا دارای ضمیر تکراری‌اند یا خلأ ارجاعی، اما بند متمم اسم، برخلاف بند افزوده اسم، فاقد هرگونه ضمیر تکراری و خلأ ارجاعی است. سوم اینکه می‌توان از چند بند موصولی انباشته برای توصیف یک هسته واحد استفاده کرد، اما انباشتگی بندهای متمم اسم امکان‌پذیر نیست. چهارم اینکه وقتی اسمی، هم با یک بند افزوده اسم توصیف شود و هم با یک بند متمم اسم، همواره ابتدا بند موصولی می‌آید و سپس بند متمم اسم. پنجم اینکه فقط بند متمم اسم را می‌توان مبدل به مسند کرد و تبدیل کردن بند موصولی به مسند امکان‌پذیر نیست. ششم اینکه وجه فعل در بند افزوده اسم، بسته به اقتضای کلام، می‌تواند اخباری یا التزامی باشد، اما وجه فعل در بند متمم اسم به نوع اسمی که هسته بند است بستگی دارد.

منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸) توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛ حسن‌زاده، حسن (۱۳۸۹)، «ی تعریف اشاره»، رشد آموزش زبان و ادب پارسی، ش ۱ (پاییز): صص ۶۱-۶۳؛
- حق‌شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۸۵) دستور زبان فارسی؛ ویژه دوره‌های کاردانی و کارشناسی پیوسته و ناپیوسته آموزش زبان و ادبیات فارسی، وزارت آموزش و پرورش (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)، تهران؛
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۹)، «پیرامون 'را' در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س ۷، ش ۱: صص ۲-۶۲؛
- _____ (۱۳۸۴)، «ساخت‌های سببی در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی؛ مجموعه مقالات، مرکز نشر دانشگاهی، تهران: صص ۱۸-۸۰؛
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۷)، «ضمایر تکراری در زبان فارسی»، دستور، ش ۴: صص ۱۸۳-۱۹۰؛
- راسخ‌مهند، محمد و همکاران (۱۳۹۱)، «تبیین نقشی خروج بند موصولی در زبان فارسی»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، س ۴، ش ۱ (بهار و تابستان): صص ۲۱-۴۰؛

- شفایی، احمد (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی، چ ۱، توس، تهران؛
صادقی، علی اشرف (۱۳۵۰ الف)، «مصدر و اسم مصدر در فارسی معاصر ۱»، راهنمای کتاب، س ۱۴،
ش ۴ تا ۶ (تیر و شهریور): صص ۳۰۶-۳۱۳؛
_____ (۱۳۵۰ ب)، «مصدر و اسم مصدر در فارسی معاصر ۲»، راهنمای کتاب، س ۱۴، ش ۹ تا ۱۲
(آذر و اسفند): صص ۷۷۱-۷۷۸. برای این مقاله و دیگر مقالات دکتر علی اشرف صادقی رجوع شود
به صفحه آکادمیای ایشان در: <<https://tehran.academia.edu/AliAsharafSadeghi>>
صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارژنگ (۱۳۵۸) دستور سال سوم آموزش متوسطه عمومی، وزارت
آموزش و پرورش، تهران؛
صفوی، کوروش (۱۳۷۳)، «برخی از ویژگی های بندهای موصولی فارسی»، مجموعه مقالات دومین
کنفرانس زبان شناسی نظری و کاربردی، به کوشش سیدعلی میرعمادی، دانشگاه علامه طباطبائی،
تهران، صص: ۱۸۱-۱۹۸؛
طیب زاده، امید (۱۳۹۱)، دستور زبان فارسی، بر اساس نظریه گروه های خودگردان در دستور وابستگی،
نشر مرکز، تهران.
غلامعلی زاده، خسرو، ساخت زبان فارسی، احیاء کتاب، ۱۳۸۶، تهران؛
معین، محمد (۱۳۶۳)، طرح دستور زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۶)، تاریخ زبان فارسی، ج ۳، چ ۳، نشر نو، تهران؛
همایونفرخ، ع. (۱۳۳۹)، دستور جامع زبان فارسی، علمی، تهران؛
Aboh, E. (2005), "Deriving Relative and Factive Clauses", *Contributions to the thirtieth Incontro di Grammatica Generativa, Venezia, Cafoscarina*, 265-285, Available in: <<http://lear.unive.it/handle/10278/233>>;
Aqel, L. et.al. (eds) (2003), *Dependenz und Valenz, Ein Internationales Handbuch der Zeitgenoessischen Forschung*, Vol. 1 und 2, Berlin, Walter de Gruyter;
ARSENJEVIC, B. (2009), "Clausal Complementation as Relativization", *Lingua* 119: 39-50;
COMRIE, B. (1983), *Language Universals and Linguistic Typology*, Oxford: Basil Blackwell;
CINQUE, G. and I. KRPOVA, (2013), "Finite clausal complements of nouns as (non-restrictive) reduced relative clauses", *ms.*, University of Venice, Available in: <<http://www.hum.au.dk/ho-cinque12.pdf>>;
ENGEL, U. (2002), *Kurze Grammatik der Deutschen Sprache*, Ludicum Verlag: Muenchen;
GREENBAUM, S., and R. QUIRK (2002), *A Student's Grammar of the English Language*, Harlow: Longman, England;

- GRIMSHAW, J. (1990), *Argument Structure*, Cambridge: MA: MIT Press;
- HAEGEMAN, L. (2010), "Locality and the Distribution of Main Clause Phenomena", www.gist.ugent.be/file/79;
- HAIDER, H., (1997), "Extraposition", *Rightward Movement*, Amsterdam: Benjamins: 115-151;
- HUDSON, R. (2010), *An Introduction to Word Grammar*, Cambridge: Cambridge University Press;
- JENKS, P. (2011), "Generalized Clausal Modification in Thai noun phrases", in *Syntax*, Available in: http://linguistics.berkeley.edu/~jenks/Research_files/3.GeneralizedClausesDistribution.ss.pdf;
- KEENAN, E. and B. COMRIE, (1977), "Noun Phrase Accessibility and Universal Grammar", *Linguistic Inquiry* 8 (1): 63-89;
- KAYNE, R. (2008), "Antisymmetry and the lexicon", *Linguistic Variation Yearbook* 8: 1-31;
- KROEGER, Paul R. (2005), *Analysing Grammar: An Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press;
- MOULRON, K. (2008), *Natural Selection and the Syntax of Clausal Complementation*, Ph. D. Dissertation, U. of Mass;
- PAYNE, T. E. (2010), *Understanding English Grammar: A Linguistic Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press (Additional text for Chapter Nine: Complementation);
- Quirk, R. et.al. (1985), *A Comprehensive Grammar of English Language*, London: Longman.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی